

بررسی حکمت عناصر منظر در بهشت قرآنی با تاکید بر سوره مبارکه الرحمن

بهزاد وثیق: *کارشناس ارشد معماری، دانشگاه تربیت مدرس
محمد رضا پورجعفر: دانشیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته ای قرآنی
سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۸۷، صص
تاریخ پذیرش مقاله: ۸۷/۸/۲۹

چکیده:

در این مقاله، ابتدا با مطالعه پیشینه عناصر اصلی باغ اسلامی مانند درخت، آب و ... در تمدنهای گذشته به حکمت این عناصر پرداخته می‌شود. پس از آن با مطالعه بر دیدگاه حکمت اسلامی در مورد عناصر مذکور در قرآن و نمونه‌های باغ اسلامی، به مفهوم حکمی بهشت نزدیک شده، سپس با جستجو در متن قرآن و توجه ویژه به سوره الرحمن، تفاسیر مربوط به این سوره مطالعه قرار می‌شود. می‌توان دریافت که حکمت عناصر باغ مانند نور و سایه، درخت و گیاهان، آب، غرفه، قصور و مانند آن را در نظم‌بندی محکمی که بر اساس هندسه قدسی، علم الهی و محیطی که با اشارات و ذکر خود، انسان را به سعادت رهنمون سازد دانست.

واژگان کلیدی: سوره الرحمن، باغ، بهشت، حکمت، عناصر منظر.

مقدمه

کتاب آسمانی اسلام سرشار از تعابیر و توصیفاتی است که نه تنها به مواردی از باغ‌های مردم مختلف مانند مصریان عهد فراغت و نیز بهشت شاد اشاره دارد، بلکه با توجه ویژه بر باغ کامل و ابدی، از آن با تعابیر جنت، روضه رضوان و ... نام می‌برد. سوره الرحمن با آیات متعدد خود در زمینه توصیف بهشت، یکی از مشخص‌ترین منابعی است که مورد توجه معماران و پژوهندگان منظرسازی اسلامی طی قرون مختلف بوده است. این سوره یکی از دقیق‌ترین توصیفات را در زمینه شکل، نوع و سایر خصوصیات باغ بهشت به دست می‌دهد. در این مقاله سعی شد تا با بررسی این آیات به بازخوانی باغ بهشت بپردازیم که در شناسایی باغسازی دوران اسلامی و نیز معنای باغ از دیدگاه قرآن امری ضروری به نظر می‌آید.

سوال تحقیق

- شاخصه‌های توصیفی باغ قرآنی و عناصر آن چه بوده و بر چه اساسی تنظیم شده است؟
- حکمت عناصر منظری در قرآن چه نسبتی با نمونه‌های خود در اندیشه‌های دیگر دارد؟
- باغ قرآنی چه الگویی را در مورد طرح‌بندی عناصر منظر نمایش می‌دهد؟

فرضیه

باغ قرآنی دارای حکمتی است که در کلیات باغ و نیز در تمامی عناصر دیده می‌شود. این حکمت و دانش الهی، باغ را به بهترین وجه جهت ارشاد و تذکر به بشر در طبیعت (عالم کبیر) صورت می‌دهد و انسان را به سعادت می‌رساند.

روش شناسی پژوهش

مقاله حاضر با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات به روش اسنادی و کتابخانه‌ای تدوین گردیده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات بر اساس معیارهایی چون قیاس داده‌ای از تفاسیر، روایات و کلام ائمه و نیز نظرات کارشناسان امور قرآنی انجام پذیرفته است.

پیشینه عناصر باغ

باغ اسلامی از آغاز تا حال دارای عناصری مشترک بوده که با وجود گذشت سالیان، ارزش گذشته خود را در باغ حفظ کرده‌اند. درخت و آب عناصر طبیعی هستند که در این باغ‌ها همواره نقشی محوری داشته‌اند. این دو عنصر در توصیفی که قرآن درباره بهشت دارد نیز نقشی موثر و فراگیر دارند، از اینرو با بررسی اهمیت درخت و آب در فرهنگ‌های مربوط با محل پیدایش اسلام و اشاراتی که در کتب آسمانی پیش از قرآن آمده، می‌توان به درک پیشینه این عناصر، خارج از فضای اسلام توفیق یافت. این مقایسه ما را در درک حکمت و معانی باغ ازلی کمک می‌نماید.

حضور درخت در فرهنگ خاورمیانه

در دوران باستان به تعداد فراوانی از نقوش و موتیف‌هایی مربوط به درخت بر می‌خوریم. درخت به تعبیری ترکیب آسمان و زمین و آب و در مجموع، کل عالم عین است که حیات ساکن را در مقابل با آنچه در سنگ و موجودات جمود یافته است، متجلی می‌سازد [۱]. این نکته قابل ذکر است که درخت برای بسیاری از جوامع کهن نماد خدا یا جایگاه ذاتی متافیزیکی بوده است و به علاوه در اندیشه آنان درخت همواره علت باروری، سرچشمه حکمت و دانش، نامیرایی و تجلی آسمان است [۲]. در بابل درخت زندگی که شاخه‌هایی از جواهر داشت را اِل (یوکانو) می‌نامیدند، و خوردن میوه آن عمری جاودانه می‌بخشید [۲]. سومریان درخت را نماد نوسازی کیهان می‌دانستند که هفت شاخه آن هفت سیاره و هفت آسمان را نشان می‌دهد. آنان درخت و الهه مادر را در پیوندی متناظر می‌دیدند [۳]. داستان پارسی آفرینش، مشی و مشیانه را به شکل دو درخت به هم پیوسته می‌انگارد که بعدها از آن دو ده نژاده آدمی زاده شد [۴]. در ایران زروانی، هئوما نام درخت زندگی است که میوه آن، غذای بهشتیان بود. در مصر باستان نیز اعتقاد بر این بود که مردگان پس از وفات به مزرعه‌ای پر برکت وارد می‌شوند [۵].

در متن اسلامی نیز درختان در قرآن و احادیث رسول و امامان نقش شاخصی دارند. خدا گاه در درختی خود را بر انسان عرضه می‌دارد و تجلی ذات او درختی است چونان که آتش گرفته باشد، به اطراف نور می‌افشاند که نشانه جایگاه رفیع این عنصر در نظام جهان بینی اسلامی است. در آ در وادی ایمن که ناگاه درختی گویدت «انی ان الله» [۶].

با توجه به مطالب بالا می‌توان به ارتباطی محکم بین ترسیم درخت و معنای الهی آن دست یافت که این پیوند از اولین نقوش انسانی تا امروز دیده می‌شود. درخت نشانه عروج به آسمان و نشانه‌ای از ارتباط با دنیای برون دارد. این گفته را می‌توان با تکامل درختان در کتیبه‌ها و پالوده شدن آن در دوران مختلف تا به امروز دید. بدین معنا که درخت به تدریج از الهه‌گان و ارباب انواع زمینی رسته، با عالم آسمان گره می‌خورد. از این گذر درخت خرما با تناظری که در حکمت با انسان دارد، خود را بیش از سایر درختان می‌نماید.

حضور آب در فرهنگ خاورمیانه

در میان سومریان اولیه باریدن باران و سیلی که پس از آن جاری می‌شد، به دو خدای اثلیل (خدای خدایان) و انکی، (خدای آب و حکمت) منسوب بود [۷]. در ایران باستان نیز آب پس از آسمان دومین آفریده از آفریدگان هفتگانه‌ای است که اورمزد خلق کرده، اصل همه آفریدگان بجز تخمه مردمان و چارپایان مفید از آب پنداشته می‌شد [۸]. مصریان با احترام از رود نیل به عنوان خدای هیپی^۱ یاد می‌کنند و او را به شکل انسانی که مشغول شیر دادن است، تجسم می‌کردند [۹]. در گسترش آیین کنعانی^۲ نیز آب و هوای سوریه و فلسطین نقش پراهمیتی بازی می‌کند. تقریباً همه آیین کنعانی در حول این تشویش و ناامیدی ساخته شده است، یعنی آرزویی دور و دراز برای داشتن زمینی همواره حاصلخیز و دارای آب [۱۰] که همین نمود را می‌توان در محل نزول وحی نیز دید.

در فرهنگ اسلامی نیز با توجه به محیط خشک عربستان و حوادث مهم تاریخ اسلام بالأخص تاریخ شیعی که با این عنصر گره خورده است، می‌توان حضور برجسته آب را در ایجاد نشانه شناسی فرهنگ اسلامی دریافت. باتوجه به نوشته‌های بالا می‌توان بوضوح دید که ارزش معنوی آب در میراث بشری چنان است که آن را به خدا یا خدایانی بلندمرتبه مربوط می‌ساختند و خلقت جهان و حیات دنیوی و اخروی نیز ابتدا با آب گره می‌خورد.

طبیعت در حکمت اسلامی

باتوجه به آنکه برداشت و موضع هر تمدن درباره حقایق ملکوتی از دیدگاه آن تمدن نسبت به طبیعت برداشت می‌شود [۱۱] می‌توان با بررسی مفاهیمی که در این رابطه در قرآن، احادیث و گفتار عرفای اسلامی وجود دارد به چهارچوبی قابل اطمینان برای اصلاح و ارتقاء طبیعت در قالب‌هایی مانند باغ و طراحی منظر دست یافت. مجموعه این منابع در کنار هم دانشی معرفی می‌کند که از منبعی قدسی مشروب شده و آن را تحت نام حکمت اسلامی می‌شناسیم. حکمت چهار چیز یعنی جوهر، ماده، منشأ حرکت و علت نهایی را بحث می‌کند [۱۲]. لذا با توجه به منابع اسلامی به بررسی این چهار مولفه در عناصر منظر می‌پردازیم.

آفرینش اسلامی دارای سلسله مراتب ظهور بوده که از بدایت و نهایت برخوردار است. در حکمت اسلامی میان عناصر، ابتدا آتش و پس از آن به ترتیب، هوا، آب، خاک، معادن، نبات و حیوان و آنگاه در آخر همه انسان آفریده شد. در این دیدگاه آسمان و زمین زنده‌اند و علم و اراده و قدرت دارند و حرکات آنها ارادی است [۱۳] و انسان نیز که پس از آنان آفریده شده است، نقطه نهایت و نیز بدایت چرخه خلقت است و این چرخه دائم در حال بازگشت به نقطه آغازین است.

چو کوه است استخوان‌هایی که سخت است
نبات موی و اطرافت درخت است [۶]

حکایت می‌کند. از دیدگاه عرفان اسلامی ترکیب، تناسب، تقارن و تسلسل در طبیعت و به تبع آن در باغ تعالی روحانی، آرامش و رشد استعداد‌های انسانی را به بار می‌آورد. خواجه عبدالله انصاری در همین رابطه می‌گوید: «ملکا! آب عنایت تو به سنگ رسید، بارگرفت، از سنگ میوه رُست، میوه طعم و خوار گرفت، ملکا! یاد تو دل را زنده کرد و تخم مهر افکند، درخت شادی رویانید و میوه آزادی داد» [۱۵]. همانگونه که می‌بینیم در اندیشه عرفانی، انسان و طبیعت هر دو در باغ در ترکیبی همگون، آینه دیگری هستند. رشد طبیعی گیاهان، استعاره از رشد ملکات الهی دانسته، ارشاد را برای سنگ نیز محتمل می‌داند، به عبارتی تمام باغ زنده و در هدایت الهی بسط می‌یابد.

حکمت درخت در باغ

خاک در خود جوهری دارد که می‌تواند بذری خرد را به درختی تنومند مبدل سازد و با آنکه پای بسته خاک است، سر بر آسمان دارد و هر لحظه به تکامل می‌رسد و سرانجام باز به خاک بر می‌گردد. در این مطلب، درخت هم معاد را در دنیای خاکی نشان می‌دهد و هم نشانه معاد حقیقی آخرت است^۳ (از خاک برآمدیم و در خاک شدیم). در همین رابطه درخت سبز نماد بيمرگی و ابدی بودن و درخت برگ‌ریز نشانه تجدید حیات و چرخه مرگ و زندگی دنیوی است. از این دست در حکمت باغ‌سازی اسلامی طوبی نمونه ازلی است از درخت چنار [۱۶] و سرو نیز نمایانگر شعله جاودانی هستی است [۱۷]. درخت نمونه کاملی از تجمیع وحدت و کثرت است؛ چنانکه از دانه‌ای درختی می‌روید با شاخه‌ها و ریشه‌های فراوان که در پایان چرخه دوباره به وسیله دانه، میوه خود به زمین برمی‌گردد:

درختی گردد از آب و از خاک

که شاخش بگذرد از جمله افلاک [۶]

خداوند در قرآن بارها انسان را دعوت به اندیشیدن در طبیعت و عناصر آن کرده و راه سعادت او را فهم قدسی از این عناصر و رابطه آنها می‌داند (الذاریات، آیات ۲۰-۲۳). در باغ اسلامی عناصر و آیات خدا از آب، باد، خاک و آتش تا آسمان، زمین، درخت و ستارگان که در قرآن از آنها به - عنوان آیات الهی نام برده شده، گرد هم آمده‌اند. با تفکر در این نشانه‌ها آدمی به تکامل انسانی می‌رسد و باغ با گرد هم آوردن آن در محیطی محصور به جایی مناسب برای اندیشیدن در باب عالم کبیر و عالم صغیر مبدل می‌شود. از این منظر باغ اسلامی در حکمت تمثیلی از بهشت ابدی تلقی شده است که در قرآن ۳۰ بار از آن با توصیف «باغ-هایی با نهرهای روان» که در زیر درخت‌های آن که چهار رودخانه آب و شیر و شراب پاک و عسل ناب روان است نام برده شده است [۱۴].

حکمت عناصر باغ

باغ با طبیعت خود و تسلط عناصر تلطیف‌کننده مانند آب و درخت و آسمان که در روایات به این خصیصه آنان اشاره شده است، انسان را از تحجر دنیوی رهایی بخشیده و او را به نهاد و فطرت خود نزدیک می‌کند چونانکه گویی ورود و گردش در باغ سلوک عارفانه‌ای است که با هر قدم انسان از صافی معنوی می‌گذرد و در انتها با رسیدن به مقام انتها جامه دنیا از تن می‌کند:

چو آب و گل شود یکباره صافی

رسد از حق بدو روح اضافی [۶]

لذا آنچه در باغ انسان _ ساز دیده می‌شود، نشانه قدرتی است که خدا بدو داده و لذا با نشانیدن درخت و نظاره آسمان و آینه آن در آب است که می‌توان به قادر توجه داشت و این همه انسان عارف را از کبر به خضوع رساند. نشانه بودن عناصر تنها به کالبد آنان خلاصه نشده و روابط بین درختان و آب و خاک و گل، میان آب و آسمان و باد، تناظر و تناسب بین کوشک، حوض، محورآبی و سر در خود از نظم هستی و نسبت مخلوقات و خالق

حکمت باد در باغ

باد نیز یکی از آیت‌های الهی است که علاوه بر آنکه آهنگ حیات را می‌نوازد در تلطیف هوا موثر است. باد با گذر در باغ، پیام باغ را به باغ دیگر می‌برد، پیونددهنده آب و درخت و همه عناصر باغ در یک آن به هم است و خنکای باغ را به جایی که از آن محروم است می‌برد. باد چون پیامبر برکت در باغ چرخیده و بوی خوش را با خود برداشته و این نعمت را به انسان و جای دیگر هدیه می‌برد. انسانها با بوهای خاصی ارتباطی معنوی برخوردار می‌سازند که هرگاه همان رایحه به مشامشان می‌رسد باز همان خاطرات را در ذهن و روان خود مرور می‌کنند. بوی خوش گل‌های باغ یادآوری از باغ عدن است که زمانی از آن رانده شده است.

حکمت نور در باغ

نور در عرفان و متون اسلامی نشانه خدا (قرآن، سوره نور، آیه ۳۵)، رسول الله (قرآن، سوره مائده، آیه ۱۵) و ائمه و اولیا، (قرآن، سوره تغابن، آیه ۸)، ایمان و سعادت (قرآن، سوره بقره آیه ۲۵۷)، هدایت و بصیرت (قرآن، سوره فاطر، آیات ۱۹ و ۲۰) است. سایه که از عدم نور است نیز هدیه‌ای است که در قرآن با عبارت «نعمتی بهشتی» آمده است؛ اما باید دانست نور این جهان و سایه آن با مابه‌ازای آن در آخرت متفاوت است؛ زیرا در بهشت این سایه خود نوری است که از حضور در لوای رضایت خداوند پدید می‌آید، یعنی سایه آن از هیچ جهت دنیوی نیست. بهشت زمینی در ساحت امور فسادپذیر است؛ ولی حیات در باغ آسمانی در گرو نور فسادناپذیری است که به واسطه قرب الهی است [۱۸]. سایه در دنیا نشانه کرنش است و تمام مخلوقات در برابر نورالانوار براساس عبادت تکوینی، سایه بر زمین می‌افکند تا فروتنی خود را نشان دهد [۱۸]، اما درختان بهشتی سایه خاکی ندارند؛ زیرا این درختان نه در قسمت شرقی باغ هستند که خورشید بر روی او افتد و نه در قسمت غربی:

سیاهی گر بدانی نور ذات است

به تاریکی درون آب حیات است [۶]

حکمت هندسه در باغ

هندسه باغ اسلامی مشتمل بر دو محور عمود بر هم است که در فرش‌های ایرانی (فرش- باغ) نیز راه یافته است. در اندیشه کهن، عالم وجود به چهار بخش که چهار رود از هم مجزا می‌کردند، تقسیم می‌شد [۱۹].



شکل شماره ۱- قالی- باغ، شمال غربی کردستان، قرن ۱۸م-
ماخذ: موزه هنری متروپولیتن، نیویورک.

قالب هندسی باغ از تسلط تفکر هندسی و تقارن جوی آن حکایت می‌کند. این خردورزی ریاضی از دیرباز در معماری منظر بین‌النهرین و ایران جای خود را باز کرده است [۲۰]. تضاد بین رشد ارگانیکی درختان، بوته‌ها و گل‌ها با هندسه راست‌گوشه باغ، هندسه طبیعت را خاطر نشان می‌سازد. این نسبت‌ها به گونه‌ای است که با نشان دادن تسلط عمودی انسان (خلیفه‌الله) بر طبیعت هندسه‌ای راست‌گوشه را ارائه می‌کند [۲۱]. این مطلب نشانه توجه به انسان در طرح‌بندی‌ها و نمادپردازی هندسی آن است. این ترکیب را می‌توان به گونه‌ای دیگر در نقش گیاهان کاشیکاری‌ها و زمینه هندسی آنان دید. هندسه ارگانیکی گیاهان و اقلیدسی محورها، نشانه هندسه حاکم بر عالم کبیره و انعکاسی از ذات خداوند و عدالت وی در جهان است [۱۴]. هندسه اسلامی علاوه بر بیانی ریاضی و ترکیبات پیچیده جبری با حس شهودی نیز آمیخته است و نه تنها از خصوصیات اقلیمی تأثیر پذیرفته است که با

مناسب هنرمند و درک صحیح ناظر در مواجهه با این مبانی و نشانه‌ها، می‌توان جلوه بصری الهی مانند نظم، وحدت، تعادل و تذکر را در باغ مشاهده کرد.

حکمت عناصر باغ در ادبیات

می‌توان با همین روند در ادبیات و دیدگاه‌هایی با این گرایش نیز چنین بینشی را نیز مشاهده نمود. برای مسلمانان هنر باغ‌سازی از نمادپردازی و جذابیت‌های حسی و رویاپردازی‌هایی که در افسانه‌ها و قصه‌های کهن یافت می‌شود، لبریز است. نقطه تمرکز این نمادپردازی‌ها در عشق و تجلی الهی آن دیده می‌شود. عشق به والاترین ساحت‌های اندیشه عرفانی و وجود متعلق می‌باشد و از این رهگذر ادبیات عرفانی با ورود به عرصه‌های هنری آن‌ها را غنایی تازه می‌بخشد [۲۳].

یکی از این تأثیرپذیری‌ها را می‌توان در قصه «لیلی و - مجنون» یافت که بارها در باغ‌ها تکرار شده است. دو درخت مثمر کوتاه مانند لیمو و لیموترش یا لیمو ترش و پرتقال که در مرکز یک محوطه گل کاری کاشته می‌شدند یا درخت سرو در کنار درختی دیگر، در حقیقت تمثیلی از آن دو دل‌داده هستند (شکل شماره ۲). همین‌گونه ایده‌ای را نیز می‌توان در دو سرو کاشته شده دید یا کاشت یک درخت نخل نر و ماده در کنار هم که عموماً به صورت جفت جفت کاشته می‌شوند [۲۴].



شکل شماره ۲- طراحی بر اساس کتاب مخزن الاسرار نظامی. دو درخت به مثابه لیلی و مجنون، ماخذ: Marcus

ملزومات فرهنگی و حکمی نیز یگانه شده است (رجوع شود به گزارش دیدار داراب دیبا و هوشنگ امیر اردلان با عنوان «گزارش یک دیدار». (آبادی: شماره ۲۸ و ۲۷)

حکمت مکان‌یابی‌ها در باغ

نقاط شاخص در معماری اسلامی در نقطه‌ای مرتفع‌تر از دیگر نقاط باغ و به گونه‌ای که در پیرامون خود نقشی محوری داشته باشند، قرار دارند. خانه کعبه در مرتفع‌ترین نقطه بر روی زمین و دقیقاً روبروی مرکز آسمان بنا شده است [۲۲]. همین مفهوم را نیز در قرآن درباره جنت عدن و قصور آن می‌توان یافت. به این معنا شرافت بخشی به بنا در حکمت اسلامی از طریق مرکزیت و مرتفع بودن جایگاه آن که هم دلالتی جغرافیایی و هم اشاره‌ای معناگرایانه را در پی دارد، به وجود می‌آید.

در باغ اسلامی، کوشک، محور آب و حوض معمولاً در مرکزیت محور اصلی باغ قرار داشته و کوشک به دلیل شخصیت کالبدی خود بیشترین مرکزیت بصری را داشته و لذا کوشک در میانه باغ استقرار می‌یابد، در حقیقت این انتظام فضائی منشأ خود را از کیهان‌شناسی اسلامی دریافت کرده که فضا و عنصر مهم شاخص در وسط و بقیه عناصر برای تأکید بر آن شکل داده می‌شوند و لذا می‌بینیم که در بسیاری از باغ‌های اسلامی کوشک، جوی آب و حوض یا در مرکز قرار دارند یا بر این مرکزیت تأکید می‌کنند. درختان نیز در گسترش افقی خود نقشی مشابه با جوی آب داشته و جهت رو به کوشک را قوی‌تر می‌کند.

حکمت عناصر زنده در باغ

منظور از عناصر زنده نباتات و هر آنچه ذی‌حیات بوده و نیز آنچه اسباب آن را فراهم می‌آورد است. اصل بیهوده و عبث نبودن در قرآن بارها تأکید شده و تذکر می‌دهد که جهان بر اصلی هدفمند قرار داده شده؛ لذا انسان به عنوان خلیفه الله در طراحی و دخالت خود در طبیعت می‌باید از کم بهره بودن آنچه می‌آفریند، دوری جوید؛ از این رو در باغ اسلامی طبیعت حیات‌بخش (آب، باد، خاک) و طبیعت زنده (درخت، گل، سبزه) بر منظرسازی سنگی و مانند آن، که در کشورهای شرق دور رواج دارد، برتری دارد. کاشت درختان مثمر و گل‌های گوناگون نیز علاوه بر تبعیت از درختان مثمر باغ قرآنی است، بر حداکثر فایده داشتن در باغ نیز تأکید می‌کند. در صورت طراحی و صورت‌بندی

آبادانی در عصر رسول الله

با شناخت اقلیم عربستان و تأثیر آن بر باغبانی زمان حضرت محمد (ص) می‌توان به نشانه‌هایی دیگر در شناخت اهمیت باغ بهشتی بین مسلمانان پی برد. شبه جزیره عربستان اقلیمی بسیار خشک را در جنوب غربی آسیا شکل داده است که نقاط سبز عمده آن به تعداد بسیار کم و پراکنده در نقاط غربی و جنوبی آن پخش شده است. شکوفایی زراعی مدینه از شرایط جغرافیایی، وجود سفره‌های زیرزمینی آب آن ناشی شده بود. [۲۵] افزون بر این عوامل، وجود تعداد زیادی از رودخانه‌ها که در زمان بارندگی و سیلاب از سنگلاخ‌ها جاری می‌شدند [۲۶] مدینه را تبدیل به شهر کشاورزی کرده بود [۲۷].

حوادث به معنای نخلستان، مساحت زیادی نداشتند [۲۸] و هر کدام چاهی مخصوص به خود داشتند و در کنار چاه، خانه‌ای جهت حفظ باغ وجود داشت. [۲۹] برخی باغداران به دلیل احتیاط برای باغ دری قرار نمی‌دادند، مگر سوراخ کوچکی که از آن آب باریکه‌ای از یکی از چاه‌های نزدیک به باغ وارد می‌شد که آن را ربیعا می‌نامند [۳۰] در آبیاری باغ‌ها از آب رودهای فصلی که بسیار ناپایدار بودند یا آب چاه استفاده می‌شد [۲۵].

لذا اسلام جایی شکل گرفت که آب و سبزی در آن به کمیابی کمیاب شبیه است. برای مسلمان صدر اسلام، بهشت جایی بود با نشانه‌هایی از این دنیا ولی با پوششی فناپذیر و دائمی؛ یعنی آنچه او در صحرای عربستان به دست نمی‌آورد.

تصویر بهشت در قرآن

معرفت نسبت به بهشت

قرآن کتابی است برای انسان تا با شناخت آن به تمامی از متن، کلمات و حروف گذشته پا در عالم محسوسات بگذارد و درک عالم مجردات در یک آن به معنی خلقت دست یابد. [۳۱] خداوند می‌فرماید: «من گنجی پنهان بودم و می‌خواستم شناخته شوم، از این رو جهان را آفریدم».

[۳۲] ملاصدرا این معنی را به گونه‌ای دیگر می‌گوید: «لازم است که انتهای حوادث به حادثی باشد که ماهیت یا حقیقت آن، عین حدوث و تجدد باشد» [۳۲]. از این رو بهشت انعکاس خداست، نه حجابی که او را بیوشاند و آشکاری است که پنهان را امتداد داده و آن را باز می‌تاباند، همانطور که رنگین کمان نور بی‌رنگ را امتداد می‌دهد و باز می‌تاباند. [۱۸] انسان نیز پس از مرگ با پیوندی که با عقول و نفوس عالم علوی دارد، به مرتبه‌ای نائل شده، و بر اساس آن یا به دوزخ می‌افتد یا در بهشت طبق میزان نیل به عالم کبیره به رضوان الهی دست می‌یابد [۲۳].

باغ در متن سوره الرحمن

چنانکه آمد، سوره الرحمن از متشکل‌ترین سوره‌هایی است که در باب توصیف باغ اخروی، توصیفاتی را در خود دارد. لذا شناخت معنی آیات و تفاسیر آن از مهمترین منابع جهت شناسایی چگونگی بهشت است. در این سوره به طور مشخص از آیه ۴۶ تا پایان، توجه ویژه‌ای بر شرح بهشت دارد، لذا از باقی آیات صرف نظر شده است.

در آیه ۴۶ خداوند دو بهشت^۵ را وعده می‌دهد که در باب چگونگی این دو بهشت تفاسیر مختلف ایراد شده است. بسیاری از تفاسیر بر دو جنبه بهشت چه از بعد معنوی و چه بصری و دنیوی اشاره دارند. این دو بهشت یکی «جَنَّةِ عَدْنٍ و دیگری جَنَّةِ النَّعِيمِ» نام گرفته که یکی نشستگاه فرد بهشتی و دیگری جای همسران و خادمان وی است (بهشت بیرونی و اندرونی است). بعضی نیز این دو بهشت را یکی به آدمیان و دیگری را به پریان نسبت می‌دهند [۱۵]. بعضی دیگر می‌نویسند که منظور از دو بهشت، دو باغ است؛ یکی درون کوشک اصلی و دیگری که بیرون کوشک اصلی قرار دارد و بعضی دیگر گفته‌اند که معنایش این است که آخرت دو بهشت جدای از هم دارد تا هرگاه از این بهشت خسته شد به آن بهشت دیگر رود تا لذتش به حد کمال برسد [۳۳]. تفسیری دیگر نیز این

میوه‌ها و سایر لذاتند و یکی دیگر این که جمع فنن یعنی شاخه‌تر و پربرگ باشد که معنی جمله این می‌شود که آن دو بهشت برعکس شاخه‌های پیر و جوان و خشکیده دنیا دارای درختانی نرم هستند. این احتمال نیز هست که منظور درختانی با شاخه‌های مختلف از انواع میوه‌های مختلف باشد [۳۲].

در آیه ۵۰ کلمه عینان دلالت بر عظمت امر آن دو چشمه در آن دو بهشت می‌کند. یکی از این چشمه‌ها التسنیم و دیگری السلسبیل نام دارد که یکی از آب غیر آسن^۸ و عسل مصفی^۹ و دیگری از شرابی پاک است^{۱۰} که از کوهی از مسک سرچشمه می‌گیرد. آب این چشمه‌ها هیچ‌گاه قطع یا کم نمی‌شود [۳۳] و ابوبکر محمد بن عمر - الوراق امکان مشابهت این دو چشمه را با چشمه‌های دنیا منتفی می‌داند. [۱۵] این دو چشمه نیز برطبق سابق می‌تواند یکی معنوی (چشمه معرفت) و دیگری مادی (چشمه‌های شیر، عسل، شراب و آب) باشد. برخی این چشمه‌ها را به تجلی صفات و بهشت را به مشاهده ذات تعبیر کرده‌اند. [۳۷]

در آن دو بهشت از هر میوه‌ای دو زوج هست و منظور از دو زوج دو صنف است. بعضی از مفسرین درباره این دو صنف میوه گفته‌اند یک صنف از آن میوه‌هایی است که آنها را در دنیا دیده بودند، و صنف دیگری هست که آن را نمی‌شناسند؛ چون در دنیا نبوده است. بعضی مفسرین آن را دو نوع میوه تابستانی و زمستانی یا تر و خشک یا کوچک و بزرگ می‌دانند. [۳۳] میوه‌های بهشتی در تعداد زیاد و بدون هیچ‌گونه ممنوعیتی هستند. این میوه‌ها نتیجه شناخت زیبایی و درک لطف الهی است. این توصیف را شیخ روزبهان به زیبایی مثال می‌زند: «قلوب، زمینی را مانند که گل‌های گوناگون بشکافند و به قدر تابش آفتاب ذات و باران صفات در عرصه آن میوه‌های رنگارنگ بپروراند. اگر در دلی بذر محبت اندازند گیاه آن مشاهده شود.» [۳۸] آیه ۵۴ به امنیت روحی و آرامش خاطر بهشتیان اشاره دارد و به محل نشستن آنان می‌پردازد. در قرآن از تخت‌های دیگری چون ارائک (تخت‌های سایبان

دو بهشت را یکی بهشت جسمانی (بهشتی که با توصیفات نهرهایی که از زیر درختانش می‌گذرد یا مانند آن توصیف شده) و یکی بهشت روحانی (رضای خداوند) معرفی می‌کند. این تعبیر در حقیقت از مقایسه آخرت با وضع دنیا ناشی شده است [۳۴]. جایی دیگر به جنس آن هم اشاره شده است. ترسندگان را چهار بهشت است: دو بهشت زرین و دو بهشت سیمین^۶ [۱۵]. پروفیسور آنه ماری شیمل^۷ در ذیل شرح مفهوم چهار باغ، به سوره الرحمن اشاره می‌کند: «امروز هنگامی که در سوره الرحمن از دو نوع باغ، دو آبشار جاری و میوه‌هایی که از هر نوع دوگونه وجود دارد و الهاماتی این‌چنینی که از کلمات آغازین سوره اقتباس می‌شود، قوه تخیل ما بندرت دچار حیرت می‌شود» [۳۵]. این ممکن است که پر بی‌راه نباشد که طرح مربعی و چهارگوش کوشک باغ‌های شاهی (که چهارباغ نامیده شده‌اند) را تقلیدی از این باغ‌های بهشت-گونه بدانیم. این تقسیم‌بندی چهارخانه‌ای اکثرأ در حول کوشک یا آرامگاهی ساخته می‌شد که چهار آبراهه به آن منتهی می‌شد و با گذر جریان آب از زیر آرامگاه چنان می‌نمود که باغی بهشتی بر رودخانه‌ای بنا شده است. ابن عربی نیز به این بهشت‌های دوگانه اشاره می‌کند؛ وی می‌گوید: «یکی از باغ‌ها مسکن کودکان خردسالی است که پیش از آنکه به سن تکلیف و بلوغ برسند از دنیا رفته‌اند و دومین باغ نیز مسکن مومنینی است که به علت سزای گناهانشان تا زمانی که عقوبت به اتمام برسد و اجازه دخول به بهشت را دریافت کنند، باید در انتظار بمانند. باغ دوم باغی است بهشتی و حقیقی که برای آنانی است که به خاطر جزای عمل خیر و عبودیت خود به آن رسیده‌اند. این باغ شامل ۸ باغ است که هرکدام از این باغها دارای صد درجه است که به تناسب عمل خیری که مرد یا زنی در دنیا انجام می‌دهد به مرتبه‌ای از آن نائل می‌گردد» [۳۶].

در آیه ۴۸ در خصوص کلمه افنان دو احتمال هست؛ یکی این که جمع فن باشد که معنای نوع می‌دهد و معنای جمله این است که: آن دو بهشت دارای انواعی از

سرخ» و «سعف» آن کسوه بهشتیان است. میوه‌هایش هسته ندارد و آبی که پای درخت می‌آید در شکاف‌هایی زمین روان است [۱۵]. انتخاب انار و خرما در این آیه به خاطر تفاوت‌های زیاد اقلیمی، دارویی و شکلی آنهاست [۳۳]. به این منظور که به گستردگی این باغ و نیز شرایط خاص آن که انواع درختان در آن به بار می‌نشینند و مانند درختان و اقلیم زمین نیست، اشاره شود. از این گذشته، درخت نخل را به انسان تشبیه کرده‌اند و همچنین در جایی دیگر آن را به ایمان هم مشابهت داده‌اند [۳۹]. سایه این درختان قطع نمی‌شود، زیرا سایه بهشت چون سایه دنیا نیست که وابسته به طلوع و غروب آفتاب باشد [۴۰]. این سایه اشاره به استراحت دائمی بهشتیان نیز دارد [۴۱]. در آیه ۷۰، ضمیر فیهن^{۱۱} به بهشت‌ها بر می‌گردد، پس شاید منظور بهشت‌های فراوان دیگری در بهشت است، ولی بعضی از مفسرین مرجع ضمیر را همین چهار بهشتی دانسته‌اند که ذکرش در آیات آمده است و بعضی دیگر ضمیر را به فاکهه و نخل و رمان برگردانیده‌اند. در ادامه به محل سکونت بهشتیان اشاره شده است. خیمه‌های بهشت از نظر وسعت، گستردگی و زیبایی با خیمه‌های دنیا قابل مقایسه نیستند. البته معنی کلمه خیمه به خیمه‌های پارچه‌ای محدود نبوده، به خانه‌های چوبی و هر خانه مدوری نیز اطلاق می‌شود و به خانه‌ای گفته می‌شود که از سنگ و مانند آن ساخته نشده باشد [۳۳].

در کتاب صحاح درباره آیه ۷۶ می‌گوید: کلمه رفر فرف بمعنی برگهای گسترده درختان و نیز پارچه سبز و رنگارنگی است که با آن مجلس آذین درست می‌کنند [۳۳]. بعضی هم گفته‌اند: مراد از این کلمه بالش یا متکا است. کلمه خضر جمع اخضر (سبز) است که صفت رفر فرف قرار گرفته و کلمه عبقری به گفته بعضی به معنی جامه‌های بافت حیره و به گفته بعضی دیگر معنای طنفسه (نوعی جامه) و به گفته جمعی دیگر به معنی جامه‌های بافته از مخلوط پشم و نخ و به گفته جمعی دیگر به معنی دیبا است [۳۴] و نیز به معنی شهر پریان نیز آمده است [۳۳].

دار) و سریر (تخته‌های بی سایبان) نیز یاد می‌شود [۳۳]. در ادیان دیگر و بخصوص در مسیحیت مشابه با این توصیف را می‌توان دید. ^{۱۱} کلمه جنی بمعنی میوه رسیده‌ای که وقت چیدنش شده باشد و کلمه دان به معنی نزدیک است و معنای جمله این است که میوه‌های چیدنی درختان بهشتی نزدیک و در دسترس است [۳۴].

علاوه بر دو بهشت یاد شده، دو بهشت دیگر نیز هست که هر چند محتوی و نعمتهایی که در آنها است، شبیه دو بهشت اول است، از نظر درجه فضل و شرف پایین‌تر از آن دو است. این دو بهشت مخصوص مؤمنینی است که درجه ایمانشان پایین‌تر از درجه ایمان اهل اخلاص است بعضی از مفسرین آیه را به نزدیکی دو بهشت اول معنا کرده‌اند و اگر چنین باشد می‌توان چنین پنداشت که این دو بهشت هم از آن صاحبان دو بهشت اول است [۳۳]. بعضی ادعا کرده‌اند که این دو بهشت افضل و بهتر از دو بهشت سابقند و صفاتی که در آن دو بود به درجه عالیت‌تری در این دو بهشت هست.

در آیه ۶۴ کلمه مدهامتان از واژه دهمه بمعنی سبز پررنگ است، به طوری که از شدت سبزی رنگش متمایل به سیاهی شده باشد، ^{۱۲} در این جمله در وصف دو بهشت مذکور می‌فرماید: «آن قدر سبز است سبزی و غرور درختانش به نهایت رسیده، و برگها متمایل به سیاهی شد» [۳۳] این رنگ نشانه طراوت و خرمی گیاهان و درختان بهشت است. [۳۳]

در آیه ۶۶ به دو چشمه که دارای فواره‌هایی که آب آنها به شدت می‌جوشد، اشاره شده است. این آب هیچ‌گاه قطع نشده و آبی که می‌ریزد راکد نمی‌شود. ابن مسعود می‌گوید که این آب می‌جوشد بر اولیای خدا با مسک و کافور و سعید بن جبیر نیز آن را آبی از الوان الفاکهه (رنگهای میوه جات) می‌داند و نیز آنس بن مالک می‌گوید این آب چون بارانی از مسک و عنبر بر گرداگرد بهشتیان می‌ریزد. [۱۵] مراد از درخت میوه در آیه ۶۸، درخت خرما ^{۱۳} و درخت انار ^{۱۴} است. سعید بن جبیر از ابن عباس نقل می‌کند که این درخت خرما جذوعش از زمرد سبز و برگش «ذهب

شاخص‌های باغ بهشتی

اکنون به دسته‌بندی شاخص‌ها و ویژگی‌هایی عناصر باغ براساس آیات در دو حوزه کالبدی و معنایی می‌پردازیم. این فهرست‌بندی کلیات و جزئیات باغ را تا حد ممکن به بحث می‌گذارد.

آرامش و امنیت در باغ بهشتی

بهشت نخستین نیز باغی بود مانند باغی که خدا در معاد به آن اشاره دارد و جایی بوده که در آن اندوهی نبود و خدا انسان را به باغبانی آن گمارده بود. خداوند به علت پشیمانی آدم از گناه اول، دوباره وی را به آن بهشت وعده داده، او را دوباره به آن بهشت رجعت می‌دهد.^{۱۵} در قرآن بهشت محل استراحت و پذیرایی است؛ چونان پذیرایی از خستگان راه دراز که به جایی برسند و این پذیرایی مداوم بی‌وقفه است. نمی‌توان بهشت و پذیرایی آن را مانند پذیرایی این دنیا مثال زد، از این‌رو رسیدن به معنی محکمی برای چگونگی این پذیرایی دور از دسترس است.^{۱۶} امام صادق (ع) در این زمینه این پذیرایی را چنین وصف می‌کند که خدا اولیاء خود را در باغ انس خود داخل کرده است و در آن درخت‌های معرفت نشسته که ریشه‌هایشان استوار در ستر آنها و شاخه‌هایشان برافراشته در حضرت الهی است و آنها هر زمان از این درختان میوه انس می‌چینند؛^{۱۷} لذا در بینش حضرت صادق (ع) باغ بهشت نوعی مجموعه شناختی و معرفتی است که دارای بروز و تجلیات مادی نیز می‌باشد. این توصیف باغ را به مرحله دانایی محور و تفکرمدار به این معنا که باغ نه تنها جهت تفرج است بلکه برای تفکر، تعمق و تدبر نیز باید دیده شود.

این اقامت، دائمی است لذا به تناسب این اقامت ابدی نیز بستری فراهم شده است. این باغ دارای سایه‌ای است ابدی که نه مانند سایه دنیا از عدم نور است که خود سایه در اینجا نور است، نوری تلطیف شده از شعاع نورالانوار که اشاره به ذات باری تعالی دارد.^{۱۸} این اقامت در راحتی کامل بوده، میزبان و مهمان از آن راضی هستند، این آرامش و امنیت (رضامندی) نقشی اساسی در باغ دارد چنانکه تمامی

رنگها و توصیفات بهشتی بر این رضایت تأکید دارد.^{۱۸} لطافت لباس‌ها و نیز تجملی که هم برای لباسها و هم برای زینت مردان و زنان ذکر شده است، به کرات در آیات دیگر نیز آمده است.^{۱۹} آشنایی فضا با تأکید بر همراهی فرزندان، همسران و والدین، آمده است.

خداوند برای بهشتیان خانه‌هایی و نیز قصرهایی را فراهم آورده است.^{۲۰} این خانه‌ها در نهایت پاکیزگی و زیبایی هستند.^{۲۱} بهشت دارای ۸ در است^{۲۲} که فرشتگان از این درها به دیدار و پذیرایی مومنین می‌آیند.^{۲۴} درهای این بهشت به روی مومنین باز است و حصارى در این باغ دیده نمی‌شود.^{۲۵}

آب و آبیاری در باغ بهشتی

این باغ بر خلاف دنیا، از محدودیت آب و سایر مشکلات باغ دنیوی، دور است و نیز آنکه بی‌عیب و نقص است و برای تمام درخواست‌های مومنین اجابتی وجود دارد که از پیش تعیین شده است.^{۲۶} در مورد نحوه آبرسانی و چرخش آب نمی‌توان نظر قاطعی داد. اگر آنگونه که چرخش آب را کنار درختان آن مانند دنیا بدانیم که از کنار درخت عبور می‌کند و آن را برای قصرها و کاخ و کوشک‌های بهشتی نیز تعمیم دهیم، می‌توان به نتیجه مشابهی رسید و آن گردش آب حول کوشک‌هاست؛ اما اگر درخت و قصر را به موازات هم نبینیم، جمله گذر آب از زیر قصر را می‌توان به این معنا یافت که آب به وسیله منافذی از قصر عبور می‌کند که آنجا یا در حوض‌هایی می‌چرخد و خارج می‌شود یا تنها با عبوری ساده از کوشک راه خود را به باقی باغ می‌گشاید. مومنین درحالی که با لباس‌هایی به رنگ سبز بر تختها تکیه داده‌اند، به تماشای آب و بهشت مشغولند.^{۲۷}

درخت در باغ بهشت

در قرآن به کرات از درختانی با نام‌های چون درخت خرما، زیتون، انگور، انار، انجیر، سدر، گز، درخت مسواک، حنا، نبات خیار مانند، افاقیا، درخت خردل، ریحان، طوبی، سدره المنتهی، زقوم و بسیاری از درختان که تنها با نام

مرکزیت می‌تواند هم گره باشد و هم نشانه؛ اما در بهشت به علت ایجاد بصیرتی جامع به تمرکز می‌مانند این دنیا نیازی نیست. در منظر حسی بهشت، خطوط اصلی، عمودی محسوب نمی‌شود؛ زیرا نشانه عمودی نماد ارتباط با امر قدسی دور از دید است. [۴۲] در هر یک از دو جفت باغ بهشتی که در سوره الرحمن آمده است، تفکیک بین باغ عمودی و باغ افقی، تفکیک قابل قبولی است و بهشت دوم چیزی نیست غیر از خدا که آن گونه که نسبت به مرتبه مقصور خود را افشا می‌کند یا می‌نمایند نیست؛ از این رو باغ عمودی مقام وصال است و دو باغ فرودین بهشت رویت سعیده است که سعادت افقی را نشان می‌دهد [۱۸].

باتوجه به تفاسیری که در این باب آمده می‌توان به چهارچوبی کلی برای باغ بهشتی رسید که فارغ از تفاسیری که به کالبد این بهشت توجه ندارند، شکل بهشت باغی است بی‌حصار و بی‌انتهای که ساکنین آن در آرامشی ابدی، از سایه دائمی برخوردارند و تمام آن موهبتی که در دنیا از آن دور بوده‌اند را یکجا در دست دارند. این آرامش در قالب باغی گردآوری شده است که متضاد با آن را در جهنم نیز با نشانه‌های باغی که درخت زقوم در آن می‌روید می‌توان دید.

نتیجه‌گیری

پیشینه عناصر منظری مانند درخت و آب و مانند آن در تمدن‌های باستانی نشانگر پیوندی است که انسان میان طبیعت و ماوراءالطبیعه می‌جوید. اسلام با تاکید بر این پیوند آن را نه تنها در جهان مادی که در آخرت نیز مورد توجه قرار داده، با بسط معنایی این پیوند دریچه‌ای نوین بر نگرش به طبیعت می‌گشاید. این اثرگذاری بر حوزه‌های مختلف هنر مانند ادبیات و باغ‌سازی دیده می‌شود. در این میان سوره الرحمن متنی است که در آن توصیفات دقیق و محکمی درباره چگونگی این باغ وجود داشته، صورت و معنای بهشت را مورد اشاره قرار می‌دهد؛ لذا با توجه به مطالب گذشته می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود: همانگونه

شجره از آنها یاد شده بر می‌خوریم که بر اهمیت عناصر سبز در کلام خدا اشاره دارد.

درختان عمده‌ای که در باغ بهشتی ذکر شده است درختانی چون سدره المنتهی، طوبی، انگور و... است که نشانه اهمیت مثمر بودن درختان باغ بهشت است.^{۲۸} این درختان هر کدام جایگاه و مکانی داشته که آنها را نسبت به هم متمایز می‌نماید؛ به عنوان مثال سدره‌المنتهی در سرحدات باغ قرار داده شده تا مرزهای باغ را نشان دهد و درخت طوبی چونان چتری سبز و بزرگ سرتاسر باغ را در یک مجموعه به هم گره می‌زند و شاخه‌های آن در تمام قصرها، کوشک‌ها و غرفه ساکنین بهشت کشیده شده است. میوه‌های درختان همیشه در دسترس بوده، تغییر کیفیت نداده و انواع میوه و حتی گونه‌هایی که در دنیا نیز دیده نشده است بر درختان بهشتی رسته است.

هندسه و مکان‌یابی ابنیه در باغ بهشت

باتوجه به آیات قرآن به تفاوت عمده خصوصیات باغ بهشتی از ابعاد گستردگی، بهره‌ها، نظام‌مندی، کیفیت فضایی با نمونه دنیوی آن، دست می‌یابیم. درعین حال می‌توان بهشت را نمونه آمال و آرزوهای انسان برای زیستن در جهانی دیگر با مشابهات دنیای پیرامون خویش، البته بدون نقص‌های این دنیا، دانست. این نمود در تشابهات بسیار بین طبیعت مطلوب دنیا با باغ بهشتی دیده می‌شود. هندسه این باغ نیز بر اساس حداکثر نظم و سرشار از نظمی قدسی است. هندسه‌ای محکم تاویل ناپذیر و والا که نه‌بتوان آن را به هندسه دیگری فروکاست و نه بتوان آن را در تضاد با سایر اجزاء مجموعه دید. هندسه‌ای که در خانه کعبه و اطراف آن دیده می‌شود، مشتمل بر دو هندسه مربع میانه و دایره پیرامونی است که ترکیبی است دارای تسلسل، تناسب، توازن و وحدت. دایره‌هایی که به سمت مرکز از تعداد اجزای تشکیل‌دهنده آن کاسته می‌شود و تا به یک عنصر (کعبه) می‌رسد، هندسه‌ای مطلوب را تشکیل می‌دهد.

مرزهای بهشت و طوبی چونان چتری تمام بهشت را پوشش می دهد. درختان مثمر نیز بیشترین حضور را در این باغ دارند. عنصر آب در قالب چشمه، جوی آب (نهر) و فواره ذکر شده است که دو چشمه عمده در باغ و نهرهای مربوط به آن می تواند طرح کلی آب رسانی دو جوی موازی را یادآور شود. کوشک ها نیز بر صفه های قرار داده شده اند تا هم بر کوشک تأکید شود و هم بهشتیان بر آن به نظاره باغ بنشینند. همنشینی آب و کوشک براساس متن، در حالات مختلف می تواند تصور شود. اما بر اساس آیات، بهترین گزینه می تواند عبور آب از سطوح زیرین کوشک باشد. (شکل شماره ۳)

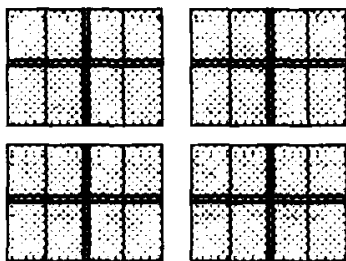
تخت سایبان دار

کوشک



شکل شماره ۳. طرح بندی آب و کوشک براساس باغ قرآنی -
 ماخذ: نگارندگان

شکل کلی باغ و باغ هایی کوچک تر ۸ تایی را می توان بر اساس مطالب فوق و بالاخص تفسیر ابن عربی به صورت شکل شماره ۴ تصور کرد:



شکل شماره ۴. طرح بندی ۴ باغ قرآنی و باغ های کوچک تر -
 ماخذ: نگارندگان

درباره موقعیت دو چشمه ذکر شده یا جای دقیق کوشک در باغ نتیجه مورد قبولی حاصل نگردید؛ اما می توان به مشابتهایی میان باغی که در قرآن ذکر شده با باغ هایی که بعدها در سراسر جهان اسلام به وجود آمد اشاره نمود. با توجه به تفاسیری که در این باب آمده می توان به چهارچوبی کلی برای باغ بهشتی رسید که فارغ از تفاسیری که به کالبد این بهشت توجه ندارند، شکل بهشت باغی است بی حصار و بی انتها که ساکنین آن در آرامشی

که در متون اسلامی مانند قرآن و کلام بزرگان در تفسیر آن درمی یابیم، طرح بندی، انتظام فضائی، نوع عناصر منظر و چگونگی ارتباط آنها با هم در چهارچوبی معنایی و کالبدی هم زمان تصویر گشته است؛ به این معنا که تمام عناصر هم دارای معنا و هم صورتی هستند که این دو در تناظر با هم باغ را به محیطی سرشار از علم الهی و حکمت ازلی تبدیل کرده که می تواند وسیله سعادت بشری را فراهم آورد. این باغ دارای ویژگی هایی مانند آرامش بخشی، بهره گیری از هندسه ای خلل ناپذیر، تناسب عناصر زیستی و انتظام آن در مجموعه ای معنایی به نام باغ، می باشد. نقش و چگونگی عناصر را در جدول شماره ۱ مشاهده می کنید.

نوع عنصر	هندسه و مکان یابی	
طبیعی	تاکید بر مرکز	درخت
مصنوع	مرکز	کوشک و قصرها
مصنوع	سراسر باغ	غرفه ها
مصنوع	مرکز یا تأکید بر مرکز	جوی آب و حوض
طبیعی	تاکید بر مرکز	گیاهان و گل ها
طبیعی	مرز باغ	درخت سدره المنتهی
طبیعی	سراسر باغ	درخت طوبی
طبیعی	تاکید بر مرکز	چشمه
مصنوع	سراسر باغ	تخت ها
مصنوع	مرز باغ	دروازه

جدول شماره ۱. نحوه استقرار و نوع عناصر باغ بهشت.

ماخذ: نگارندگان

باغ قرآنی در دو سطح جزئیات و کلیات اشاره شده است. کلیات موضوع، چهار باغ بزرگ را یادآور می شود که در هر کدام از این باغ ها، باغ هایی کوچک تر قرار دارند. تعداد کلی باغ های چهارگانه و باغ های کوچک تر یادآور طرح ۴ باغ و مدوله شدن آن در باغچه های کوچک تر است که می توان نمونه آن را در طرح بندی باغ هایی مانند باغ - مزار تاج محل دید. در باغ قرآنی از عناصری مانند درخت، چشمه، نهر، فواره، کوشک، صفه و تخت های سایبان دار نام برده شده است. درختان باغ براساس نوع در جاهای متفاوت قرار داده می شود. سدره المنتهی در

من لبن لم يتغير طعمه و نهر من خمر لذه للشاربين و نهر من عسل مصفى (الصافی، ۴۱۸؛ آیات الولایه، ۱-۲۶۴) ۱۱. تا در ملکوت من از خوان من بخورید و بنوشید و بر کرسی‌ها نشست و بر دوازده سبط اسرائیل داوری کنید (لوقا ۲۲-۲۹)

۱۲. شاید در فارسی بتوان رنگ یشمی را مصداق آن دانست.

۱۳. درختی که برای تمثیل کلمه طیبه آمده است. (علامه مجلسی، ۱۳۸۶: ۴-۵۵۹)

۱۴. رسول الله از انار به سید الفاکهه یاد کرده است (۴۱ ص ۱۶۳).

۱۵. خداوند به او وعده داد که به جنتی که در آنجا بود، رجعت داده خواهد شد، لیکن تا زمانی که به آن جنت برگردانیده شود به جایی فرستاده می‌شود که در آنجا کار کند و وسایل زندگی خود را فراهم نماید و در آنجا، تبار او متعدد شوند و رو به افزایش بروند. (ترجمه نهج البلاغه (ذبیح الله منصور) خطبه ۰۰۱- آغاز آفرینش آسمان و...)

۱۶. (آل عمران-۱۹۸) لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نَزَّلَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِّالْبَرِّارِ

۱۷. تفسیر قرآنی و زبان عرفانی، پل نوپا، اسماعیل سعادت، چ اول، ۱۳۷۳، مرکز جهاد دانشگاهی، ص ۱۳۴

۱۸. (النساء-۵۷) وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَتَدْخُلُهُمْ ظِلَالٌ ظَلِيلًا

۱۹. (المائدة-۱۱۹) لَقَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (فاطر-۳۳) پاداش آنان باغهای جاویدان بهشت است که در آن وارد می‌شوند در حالی که با دستبندی از طلا و مروارید آراسته‌اند، و لباسشان در آنجا حریر است.

۲۰. «در خانه پدر آسمانی‌ام، عمارت بسیاری هست»، انجیل یوحنا، باب چهارم، آیه ۲.

ابدی، از سایه دائمی برخوردارند و تمام آن موهبتی که در دنیا از آن دور بوده‌اند را یکجا در دست دارند. این آرامش در قالب باغی گردآوری شده است که متضاد با آن را در جهنم نیز با نشانه‌های باغی که درخت زقوم در آن می‌روید، می‌توان دید.

از آنچه در بالا آمد می‌توان دریافت که تشبیهات قرآن از باغ بهشتی، کمالی از آرزوی دائم بشر برای زیستن در طبیعتی است که در آن با آرامش زندگی کند و دور از انتظار نیست که انسان آرامش را در باغی پس از مرگ بیابد. این باغ با آن که بسیار به باغ دنیا شبیه است، با توجه به خصوصیات آن که خود را از ساخته بشری فراتر کرده، می‌تواند به عنوان الگوی الهی که بشر سعی در رسیدن به آن دارد مورد توجه قرار گیرد. این الگوی معنوی، جایی که خداوند برای انسان‌های پاک به عنوان بهترین پاداش در نظر گرفته است، ذهن طراحان را نسبت به ایجاد و طراحی چنین عناصری در منظر و باغ اسلامی سوق داده است.

پی نوشت ها:

۱. Hapy
۲. Canaanite religion
۳. «ملکوت خدا در درون شماست». (لوقا، باب هفدهم، آیه ۳۱)
۴. نبی جون آفتاب آمد ولی ماه مقابل گردد اندر «لی مع الله»
۵. بهشت از کلمه وهشتوه پهلوی به معنی کامل و بهترین مکان مشتق شده است و نیز فرهنگ فارسی معین ذیل کلمه بهشت، و نیز بمعنی جهان خوشتر و نیکوتر آمده (حاشیه برهان قاطع، محمد معین)
۶. (النبا-۳۲) حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا Annemarie Schimmel
۷. آبی غیر متغیر که مزه آن نگردد و بوی آن ننگدد.
۸. شهدی که در آن موم و فضلات مگس نباشد.
۹. امام باقر (ع) از پیامبر (ص) روایت می‌کند که: لما دخلت الجنة رايت في الجنة شجرة طوبى و يجرى نهر في اصل تلك شجرة يتفجر منه الانهار نهر من ماء غير آسن و نهر

۵. آلبرماله، ایزاک، تاریخ ملل شرق و یونان، عبدالحسین خان هژیر، چاپ یکم، انتشارات کمسیون معارف، تهران، ۱۳۳۲.

۶. شبستری، محمود بن عبدالکریم، گلشن راز، جواد نوریخس، تهران، انتشارات یلدا قلم، ۱۳۸۴.

۷. Garden, London, 1978.

۸. دادگی، فرنیغ، بن دهش، مهرداد بهار، انتشارات توس، تهران، ۱۳۶۹.

9. Griffiths, J. Gwyn, Hecataeus and Herodotus on a Gift of the River, Journal of Near Eastern Studies. 1966.

10. Baly, Denis and A. D. Tushingham, Atlas of the Biblical World (New York: The World Pub, 1971).

۱۱. نصر، سیدحسین، نظر متفکران اسلامی در مورد طبیعت، خوارزمی، تهران، ۱۳۵۹.

۱۲. کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه یونان و روم، سید جلال الدین مجتبی، ج ۱، تهران، سروش، ۱۳۶۸.

۱۳. نسفی، شیخ عزیزالدین، زبده الحقائق، ناصری، حق وردی، تهران، طهوری، چاپ اول، ۱۳۶۳.

14. Brooks, John, Weidenfeld and Nicolson, Garden of Paradise, the History and Design of the Grate Islamic

۱۵. المیبیدی، ابوالفضل رشید الدین، کشف الاسرار وعده الابرار، به سعی و اهتمام علی‌اصغر حکمت، جلد نهم انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۷.

16. Hanaway Jr W. L, the Terrestrial Garden, Colloquium, WashingtonD.C, Dumbarton Oaks. 1976.

۱۷. کورکیان، ام، باغ‌های خیال، پرویز مرزبان، تهران، نشر فرزنان، ۱۳۷۷.

۱۸. شوان، فریتوف، اسلام و حکمت خالده، فروزان

راسخی، چ اول، تهران، هرمس، ۱۳۸۳.

۱۹. آذریاد، حسن، حشمتی رضوی، فضل الله، فرش‌نامه ایران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۲.

۲۰. زاهد زاهدانی، سید مهدی، باغ‌های ایرانی الگویی جهت طراحی محیط، جلوه هنر، ۱۳۷۹، شماره ۸ و ۹

21. Laurie, Michael, an Introduction to Landscape Architecture, Elsevier Publishing Company. 1986.

۲۱. (التوبة-۷۲) وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٍ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

۲۲. هشت جنت را ز رحمت هشت در... (مثنوی معنوی، مولوی، ۲-۴۲۶-۱۲)

۲۳. (الرعد-۲۳) جَنَّاتٍ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ

۲۴. (الحجر-۴۶) ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِينَ

۲۵. (ص-۵۰) جَنَّاتٍ عَدْنٍ مَّفْتَحَةٌ لَهُمُ الْأَبْوَابُ - می‌توان این مورد را با نحوه نگهداری از باغ در میان اعراب صدر اسلام و بعدها مقایسه کرد.

۲۶. (النحل-۳۱) أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُجَرَّ الْأَنْهَارُ خِلَالِهَا تَفْجِيرًا

۲۷. (الکهم-۳۱) أَوْلَيْكَ لَهُمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَحْلُونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خَضْرًا مِّنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَّكِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا

۲۸. قال رسول الله (ع): جنتان من فضه آنيتهما و ما فيها و جنتان من ذهب آنيتهما و ما فيها و ما بينهم وبين ان ينظروا الى ربهم الارداء الكبرياء على وجهه فى جنة عدن (المنثور ج ۶ ص ۱۴۶)

منابع:

۱. کوپر، جی، سی، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ملیحه کرباسیان، تهران، ۱۳۷۹.

۲. هال، جیمز، فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب، رقیه بهزادی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۰.

۳. پرادا، ایدت، هنر ایران باستان، یوسف مجیدزاده، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.

۴. فربود، فریناز، محمود طاووسی، بررسی تطبیقی مفهوم نمادین درخت در ایران، فصلنامه مدرس هنر، دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۱، دوره اول شماره دوم.

۲۲. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، دوره ۴ جلدی، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ ه.ق.
۲۳. رهنورد، زهرا، تجلی عشق بر نگارگری ایرانی-اسلامی، هنرهای زیبا، ۱۳۸۲، شماره ۱۶.
24. Stuart, C.M.V, Gardens of The Great Mughals, London, Adam and Charles Black, Soho Square, 1913.
۲۵. عسقلانی، ابن حجر، کتاب الاصابه، القاهره، چاپ ساعده، ج ۲، ۱۳۲۸ ه.ق.
۲۶. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت، ۱۹۶۰.
۲۷. حموی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت، ج ۵، ۱۹۵۷ م.
۲۸. ابن اسحاق، محمد، سیره النبی، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، القاهره، بی نا، ج ۲، ۳، ۱۳۸۲ ه.ق.
۲۹. مطری، محمد بن احمد، التعریف، تحقیق محمد عبدالحسین الخیال، بالمدينه منوره، منشورات اسعد درابزونی، ۱۳۷۲ ه.ق.
۳۰. مسلم، الصحیح، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره، بی نا، ج ۱، ۱۳۷۴ ه.ق.
۳۱. مطهری، مرتضی، مقدمه و پاورقی اصول فلسفه و روش رئالیسم، سیدمحمدحسین طباطبائی، قم، نشر صدرا، ۱۳۷۱.
۳۲. شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم، الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۱.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵.
۳۴. طباطبائی، سیدمحمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۱۹، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲.
35. Schimmel, Annemarie, the Empire of the Great Mughals: History, Art and Culture, Reaktion Books, 1994.
۳۶. ابن عربی، محیی الدین، الفتوحات المکیه، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۷. ابن کثیر، إسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، دار طیبه للنشر والتوزیع، ۱۴۲۰ ه.ق.
۳۸. البقلی الشیرازی، ابومحمد بن ابی نصر، عرائس البیان فی حقائق القرآن، ۱۰۸۳ ه.ق.
۳۹. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، محمدتقی و جمعی از مترجمین، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۱.
۴۰. البیضاوی، أبو الحسن علی بن محمد، لباب التأویل فی معانی التنزیل، موقع التفاسیر، بی تا.
۴۱. بروسوی، اسماعیل، روح البیان فی تفسیر القرآن، دار الفکر، بی تا.
۴۲. نوربری شولتز، کریستیان، مفهوم سکونت، آزاد محمود امیر یار احمدی، تهران، آگه، ۱۳۸۱.